

ایلینا پاپادوپولو: ده نکته درباره توافق بیستم فبروری



" برخورد ها هنوز هم در تقابل قرار دارند و در نتیجه آتش بس کسی میتواند بهره مندی بیشترانه را داشته باشد که محدوده و شرایطی را که تحت تأثیر آن مذاکرات بعدی انجام میپذیرد بهتر راه اندازی کند". اقتصاد دان یونانی ایلینا پاپادوپولو در ده نکته توافق میان حکومت یونان و زون یورو را چنین مورد بررسی قرار داد.

۱. با نشست گروه یورو بتاريخ ۲۰ فبروری نخستین دور (مختصر) مذاکرات به پایان رسید که تداوم آن تابع حوادث در ماه های بعدی خواهد بود.

۲. برای آنکه بتوان تصویری داشت که چه چیز هایی بدست آمده و کدام مواردی از دست رفته و همچنان اینکه حکومت یونان چه چیز هایی را بدست آورده و کدام مواردی را از دست داده است مجبوریم سه گزینه را از نظر دور نداشته باشیم: محدوده و شرایطی که مذاکرات زیر سایه آن راه اندازی شد، اهداف مطمع نظر هر دو جانب و گزینه های الترناتیف.

۳. توضیح کوتاه: چه تعدادی در میز مذاکره شمولیت داشتند؟ جواب: تعداد زیادی. نتایج و حتی مراحل جداگانه مذاکرات و پروسه دقیق گفتگو ها رابطه داشت با چلنج های جداً قابل توجه نه تنها برای جانب یونان و یا آلمان بلکه برای همه کشور های شامل این نشست. ولی با آنها هم حتی همین پیوند طلبیها که دلالت بر پیچیدگی مسایل در

سطح "منافع ملی" میکردند بازهم گمراه کننده بودند. در واقعیت امر هر یک از وزیران مالیة حکومت های انتخابی زون یورو در باره سیاست (و حتی دیدگاه) حکومت های شان ابراز نظر میکردند. به همین گونه آقای یوونکر به نماینده گی از کمیسیون اتحادیه اروپا در باره سیاست (و حتی دیدگاه) این اتحادیه، آقای دراگی نماینده بانک مرکزی اروپا و خانم له گارد به نماینده گی از صندوق بین المللی پول مواضع تابع منافع شان را اتخاذ کرده بودند.

۴. عصبانیت بی پایان شویبلی یکی از مظاهر آشکارای آن فشاری بود که در برابر حکومت آلمان بخاطر تحمیل نقش رهبری کننده اش برای توجیه بحران و تعقیب دوامدار سیاست دیکته صرفه جویی قرار داشت. این عصبانیت در عین زمان تکانه آشکاری برای مساعی حکومت آلمان در جهت وابسته نگهداشتن همواره همبازی های پر اهمیت به استراتیژی شان است. از همینجاست که موضعگیری های فرانسه و ایتالیا اهمیت بخصوصی دارد. انشعاب هایی را که حکومت یونان انتظار آنرا داشت درست در همینجا پایان یافت و نه در کشور های جنوب اروپا (اسپانیا، پرتغال، آیرلند) که در مرحله کنونی انتظار آن میرفت زیرا این کشور ها با ترسی که از عروج نیرو های چپ داشتند و وفاداری شان را با مشی آلمانها اعلام کرده بودند. با آنها تا حدودی معینی بازی این کشور ها ریسک برانگیز تر بود. تصمیم آنان در زمینه توافق با استراتیژی آلمانها طوریکه دیده میشود با خواسته های مردم شان در تضاد کامل قرار داشت که البته منجر به آن خواهد گردید تا با هر دستاورد یونانی ها فشار بالای این کشور ها تشدید بیشتر یابد.

۵. تحت چنین شرایطی هدف آلمانها این بود که حکومت سریزا فقط و دقیقاً آنچه را به امضا رساند که حکومت دموکراسی نوین- پاسوک به امضا رسانیده بودند: پیاده نمودن عاجل کلیه پیش شرط ها بخاطر به انجام رسانیدن پنجمین دور برنامه دیکته صرفه جویی برای یونان (اسارت اقتصادی) و همچنان تأیید این منطق که یگانه راه برون رفت از بحران همانا راهی است که آلمانها آنرا پیشکش نموده و حلقات کوچک و یا بزرگ نیرو های محافظه کار و سوسیال دموکراسی اروپا (اسارت سیاسی) مدافع آن اند.

۶. این امر با در نظر داشت دو اصل اتفاق نیفتاد: اصل نخست آنکه تصورات و حدود کشیدن سریزا تخیلی نبودند. حکومت به تصمیم مردم که هنگام انتخابات به سریزا تفویض گردید وفادار بوده و میباید؛ بناءً سریزا این وعده را نیز داده است تا از گفته هایش در برابر مردمی که برایش رأی داده اند تخطی نکند. اصل دوم اینکه نخبه های سیاسی و اقتصادی اروپا کنون دچار ترس از اوجگیری جنبش برای سقوط شان شده اند. به عبارۀ دیگر: ممکن به امری عقیده دارند که خروج یونان از زون یورو به گمان اغلب قابل تطبیق و قابل کنترل خواهد بود ولی امر دیگر آنست که باید به آن اطمینان داشته باشند. تجارب لیمن برادرس را درین زمینه مشخص به یاد می آوریم.
۷. با این دیدگاه و تحت چنین شرایطی فردا دومین دور مذاکرات آغاز مییابد که دوام آن بر پایه "توافق راه عبوری" تعیین میگردد: یعنی چهار ماه. در طول این مدت زمان بسیاری مطالب مشخص میگردند- بشمول این مسئله که زمان به نفع کیان خواهد بود- در آن زمان برای ما امکان دست میدهد تا نتیجه گیری های با اهمیتی را نه تنها در زمینه استراتیژی برای رهبری مذاکرات معینی بلکه برای راه اندازی مباحثات نیرو های چپ روی استراتیژی بزرگ و طویل المدت داشته باشیم. از همینجاست که باید مغز را سرد نگهداریم و در زمینه اتخاذ تصمیم برای تشخیص طیف وسیعی از نیروها و مشی مربوط به آن عجولانه عمل نکنیم. در حالت کنونی ما فرصت ضروری زمانی، سیاسی و احساسی را در اختیار نداریم تا همه مسایل را با معرفت کامل تشخیص داده و برملا سازیم.
۸. این مقطع زمانی دوران مبارزه علیه زمان گذشته است ولی در عین حال مبارزه یی در برابر خود مان نیز میباید. معضله دوامداری در مورد تفسیر تصامیم را انتظار داریم و از همینجاست که ما مجبوریم مجموع امکانات انعطاف پذیرانه یی را که توافقه میسر میسازند مورد استفاده قرار داده و در عین زمان به این امر معترف باشیم که جانب مقابل هم از همین شیوه استفاده خواهند کرد.
۹. نتیجه گیری الیاس لوکایموغلو درین مورد صادق است: "برخورد ها هنوز هم در تقابل قرار دارند و در نتیجه آتش بس کسی میتواند بهره مندی بیشترانه را داشته باشد که محدوده و شرایطی را که تحت تأثیر آن مذاکرات بعدی انجام میپذیرد بهتر راه اندازی کند".

۱۰. این نکته باید درین مقطع زمانی برای همه ما نگران کننده باشد- برای حکومت، سریزا و نهاد های اجتماعی که میخواهند بخش واقعی تحول باشند: آماده ساختن چنان شرایطی که زیر سایه آن مذاکرات بعدی به راه انداخته میشوند. از همینجا مطالب زیادی نشئت میکنند. نخست از همه نتیجه چنین است که گزینه سقوط در صدر مسایل مستور است و اینکه مانور های تاکتیکی را نمیتوان با تداخل آن در مذاکرات پیاده کرد. بناءً عواقب چنین خواهد بود که تعهدات وابسته برنامه یی مان بازهم رهنمای عمل ما باشد و تقدم و تأخر زمانی آن تسلسل واقعی را متبلور سازد و فرصت طلبی بی مفهوم نباشد. نتیجه دیگر این خواهد بود که برای حزب در انجام پروسه های سیاسی اهمیت بخصوصی دست میدهد تا همه مسایل را به بحث بکشاند و آنها را تفهیم نماید و در عین حال انکشاف عادی اوضاع را کنترل و مدیریت کند. برای آنکه ما از فرصت استفاده نموده باشیم مجبوریم تا در همکاری صادقانه و شور و بحث در مورد وضع مشخص پردازیم و از اعتماد صفوف مان مستفید گردیده و برای حل پرابلمها درک سالم و سمتدهی دقیق کاری را که خواست مردم است راه اندازی کنیم. و اینکه درین مورد تصمیم بگیریم که آیا حکومت سریزا میتواند پس از ماه جون امسال وجود داشته باشد و یا اینکه باید وجود داشته باشد.